

عنوان‌گزینی اشعار و کارکردهای زیبایی‌شناختی آن در شعر فروغ فرخزاد

* افسانه رمضانی

دکتر مجید بهروور

دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه یاسوج

چکیده

در این پژوهش سعی می‌شود، مجموعه اشعار فروغ فرخزاد بر اساس عنوانهای اصلی و فرعی در سطوح زبانی، معنایی و ادبی بررسی گردد. فرخزاد گاه از عنوانین کوتاه و گاه بلند در حد یک جمله بهره گرفته، هر دو محور همثبینی و جانشینی را در عنوانین شعریش برجسته کرده است که این عنوانین در مجموع، ارتباط معناداری را با روند تحول سبکی و محتوایی شعرش برقرار می‌سازد.

کلیدواژه‌ها: عنوان شعر فروغ، شعر فروغ فرخزاد، شعر نو، نشانه‌شناسی در شعر نو.

مقدمه

نامگذاری و نامگزینی شاعران از ابعاد ساختاری شعر معاصر است به طوری که بیشتر شاعران نوگرا به آن گرایش داشته، اشعار خود را معمولاً با نام یا عنوانی همراه کرده‌اند که در تکمیل نظر یا سوگیری معنایی یا زیباشناختی مؤلف باشد و این در حالی است که در شعر کهن فارسی بسیاری از اشعار اساساً عنوان نداشته و به دلیل عدم توجه ساختاری قدمای مسائله زیبایی در شعر، جز در مواردی چون براعت استهلال از مسائل مورد بحث بلاغيون کهن نیز نبوده است. در هنر و شعر جدید عنوانی که برای اثر انتخاب می‌شود، می‌تواند بسیار حائز اهمیت باشد. در خواندن داستان یا شعر آنچه در آغاز، خواننده با آن برخورد می‌کند، عنوان آن است. عنوان در شعر معاصر در مقام مقایسه با فنون ادبی گذشتگان به مثابه براعت استهلال است که گاه ذهن خواننده را آماده می‌کند تا به پیام و مفهوم شعر، اندک آشنایی پیدا کند. می‌توان گفت عنوان با متن شعر ارتباط معناداری دارد به فرض عنوانی که از متن انتخاب می‌کند درون متنی است و گاه با عنوانی که شاعر برای شعرش انتخاب می‌کند، خواننده به ذهن و اندیشه شاعر پی خواهد برد. با ارتباط برقرار کردن بین عنوان و متن و ساختار می‌توان از اثر، تحلیل بهتری انجام داد. هر شعر یک عنوان دارد و با انتخاب عنوان، آن شعر از دیگر اشعار متمايز، و گویا شعر دارای شناسنامه و هویت خواهد شد.

لارنس پرین می‌گوید:

می‌توانیم هر عنصری را در شعر فقط به این عنوان که آیا توانسته است شعر را در رسیدن به هدف اصلیش کمک کند، ارزیابی کنیم. یکی از شاخصهای مهم این ارزیابی عنوانهای شعری است. همچنین می‌توان در مورد کل شعر از این نظر که آیا این عناصر دست به دست هم داده مجموعه کاملی را تشکیل داده است یا نه قضاوت کنیم (پرین، ۱۳۷۳: ۱۰).

شعر، گره خوردگی عاطفه و تخیل است که در زبانی آهنگین شکل گرفته است. در این تعریف شعر از شفیعی کدکنی پنج عنصر اصلی شعر دیده می‌شود. عاطفه و تخیل در شعر نیازمند زبان است که ظرف ارائه آنها باشد. زبان یکی از عناصر بسیار مهم در شعر است. همه می‌دانند که زبان، ثابت و منجمد نیست و هر لحظه در حال پویایی و تغییرات تدریجی است. بنابراین با تغییرات زندگی و آمدن نیازمندیهای جدید و از بین رفتن بعضی مفاهیم، هر زبان مقداری لغت را، از راه ساختن و یا از راه قرض گرفتن از

عنوان‌گزینی اشعار و کارکردهای زیبایی‌شناختی آن در شعر فروغ فرخزاد

زبانی بیگانه در خود به وجود می‌آورد (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۰: ۸۶-۹۱). شعر، زیبایی آفرینی با زبان است. زیبایی زبان شعر، حاصل بهترین گرینش و ترکیب و هماهنگی آنها با دیگر عناصر شعر است (صهبا، ۱۳۸۴: ۹۴).

زبان ابزاری است برای ایجاد ارتباط میان افراد. فرد بهوسیله واژگان می‌تواند اندیشه خود را انتقال دهد و شاعر با استفاده از واژگان است که رستاخیز ایجاد می‌کند. گاهی رستاخیزی در واژگان می‌تواند از عنوان شعر شروع شود.

زبان فارسی زبانی بی‌نشانه است. عنوان گزینی شاعر، گاه می‌تواند جای بی‌نشانه بودن زبان را پر کند؛ می‌تواند مکمل نارسانیهای خط و زبان فارسی هم باشد. در این جستار همه عنوانهای شعری فروغ فرخزاد در پنج دفتر حتی به عنوان شاعری زن و با زبانی زنانه بررسی می‌شود. رویکردی که در این پژوهش استفاده شده، نشانه‌شناختی و معناشناختی است؛ فی‌المثل اینکه زبان فارسی نشان جنسیتی ندارد؛ شاعران فارسی‌زبان به ویژه یک زن چگونه می‌تواند به این نارسانی‌زبان فارسی (عدم نشان‌دار بودن زبان) کمک کنند. شاعر زن لازم است چه چیزهایی را بر آن بیفزاید تا این کمبودها برطرف شود؛ پس اگر شاعر از خانه یاد می‌کند، اگر از لوازم و وسائل زنانه در شعرش استفاده می‌کند، همان کارکرد تأکید را می‌تواند داشته باشد. فروغ سعی کرده است با عنوان در تقویت زبان زنانه بکوشد.

این پژوهش رابطه عنوان و محتوای اشعار را بررسی کرده با استفاده از عنوان، که «دال» یا نشانه است به «مدلول» یا محتوا و متن اصلی می‌رسیم. تحلیل عنوانهای فروغ فرخزاد در عین حال که به یاری عنوان می‌توان به اندیشه شاعر پی‌برد تا حدی نیز یاری‌رسان مخاطب برای فهم بهتر اشعار است.

پیشینه پژوهش

درباره پیشینه نظری موضوع می‌توان به مقاله ا. لوینستن «اهمیت عنوان در شعر غنایی» (۱۹۷۸) و کتاب نشانداری عنوان: ابزارهای نشانه‌شناختی برای کار با متن (۱۹۸۱) از لئو هوک اشاره کرد. همچنین رویکرد نشانه‌شناختی و بینامتنی ژرار ژنت و مایکل ریفاتر در چنین تحلیلهایی بسیار نتیجه بخش خواهد بود. ژنت در مقالات و کتابهایی از جمله «ساختار و کارکرد عناوین ادبی» (۱۹۸۸) بویژه در پیرامونها: آستانه‌های تأویل (۱۹۹۷) نشان داده است که چگونه همه عناصر معرفی‌کننده و حتی حاشیه‌ای اثر از طرح جلد،

عنوان و نام مؤلف گرفته تا پیشگفتار، عنوانهای فرعی، تصاویر برای فهم خواننده از موضوع و درک زمینه‌ای آن نهاده شده است.

در مورد عنوان‌پژوهی پژوهش‌هایی هم در ایران اغلب برای تحلیل متون صورت گرفته است که البته در زمینه سرودهای فروغ فرخزاد نبوده است. در ادامه به صورت گذرا به این پژوهشها اشاره خواهد شد؛ از جمله: محمدرضا شفیعی کدکنی در مقاله‌ای از کتاب زمینه اجتماعی شعر فارسی (۱۳۸۶) القاب و نامهای شاعران را برای تحلیل ذهنیت و «ساختهای جمال‌شناسی هر شاعر» در خور بررسی و تحلیل دانسته است. در مقاله «بررسی و تحلیل نامهای اشعار قیصر امین‌پور» (۱۳۸۸) از مصطفی گرجی و افسانه میری در نامهای سرودهای قیصر امین‌پور تحلیل شده است. فاطمه بخت در پایان نامه «بررسی سیر تحول عنوان در شعر فارسی و عربی از آغاز تا امروز» (۱۳۹۰) به تحول عنوان در شعر فارسی و عربی پرداخته است. همچنین «تحلیل نشانه- معناشناختی رمانهای سیاسی فارسی از ۱۳۵۱-۱۳۸۰» (۱۳۹۰) مقاله‌ای از مصطفی گرجی، «تحلیل عنوانهای اشعار احمد شاملو» (۱۳۹۴) از مسعود روحانی و محمد عنایتی. «بررسی و تحلیل عنوان کتابها و سرودهای مهدی اخوان‌ثالث» (۱۳۹۵) از محمدی و قاسمی دورآبادی. «عنوان‌شناسی تطبیقی نام‌سرودهای دو مجموعه «زمستان» اخوان و «المجد للأطفال و الزيتون» البیاتی از منظر مکتب رمان‌تیسم» (۱۳۹۶) مقاله‌ای است که در آن بهارک ولی‌نیا، محمد بهنامفر و حبیب‌الله عباسی به حضور مؤلفه‌های رمان‌تیسم در عنوان و متن اشعار این دو شاعر پرداخته‌اند. مجید بهره‌ور در «سایه تاسیان: درنگی بر نامگذاری مجموعه تاسیان و برخی واژگان گیلکی شعر او» (۱۳۹۶) با نظر به عنوانهای گیلکی و مفهوم نوستالژی برای کشف مدلول نشانه‌های متنی به تحلیل زمینه‌های فرامتنی عنوانین نمادین، شاعرانه و گاه شخصی ابتهاج پرداخته است.

بحث

عنوان در لغت و اصطلاح به معنای دیباچه، سرآغاز کتاب یا نامه و هر آنچه موجب معرفی و شناختن چیزی می‌شود، آمده است. عنوان در شعر، واژگانی است که بالای متن شعر قرار دارد و جزء نخستین واژه‌های متن است که نوشته می‌شود. عنوان یکی از بخش‌های شاخص و مهم هر متن بهشمار می‌رود. عنوان شناسی^۱ از آنجا که بزرگترین دلالت زبانی را در خود دارد که مضمون متن را در بر می‌گیرد، مورد توجه

عنوان‌گزینی اشعار و کارکردهای زیبایی‌شناختی آن در شعر فروغ فرخزاد

نظریه‌پردازان ادبی و نشانه‌شناسان نیز قرار گرفته است. ژرار ژنت به چگونگی تحلیل عنوان در ساخت متن و فرایند خوانش ادبی پرداخته است. «شاعرانگی عناوین» نزد ژنت در مفهوم پیرامتنی^۲ به کار رفته است و آن عبارت از تمام عناصر صوتی و بصری موثر در حاشیه متن و ساختار هستی‌شناسی آن است. بر اساس نظر ژنت، پیرامتنی^۳ شامل دامنه آرایه‌ها و سنت ادبی است که هم از درون متن^۴ و هم از برون متن^۵ به دست می‌آید تا میانجی خواننده و کتاب واقع گردد(Genette, 1997: xviii); لذا تحلیل پیرامتنی ژنت نه تنها شامل عنوان، بلکه نتیجه برهمکنش عناصر و ساختارهای درون متنی و برون متنی خواهد بود.

از این روست که به نظر می‌رسد با توجه به عناوین شعری تا حدودی می‌توان به اندیشه شاعر پی‌برد. «هیچ ضرورتی ندارد که برای تحلیل ساختهای جمال‌شناسی یک شاعر، حتماً دیوانهای او خوانده شود. می‌توان از روی نام کتابها، ذهنیت او را تحلیل کرد»(شفیعی‌کدکنی، ۱۳۸۶: ۴۴۲).

در تحلیل نشانه‌شناختی متن ادبی و نوشتاری، اولین واحد معنادار، کلمه است (سجودی، ۱۳۸۴: ۱۱۳) و هر کلمه به عنوان یک نشانه از رهگذار رابطه‌ای ساخته می‌شود که با موضوع خود دارد (مکاریک، ۱۳۸۵: ۳۲۹). اولین کلمه یا عبارت در شعر، عنوان آن است. عنوان مجموعه‌ای از نشانه‌های زبانی (کلمات مفرد، جمله‌ها یا متن) است که در اول متن ظاهر می‌شود تا چهارچوب آن را مشخص کند؛ بر محتوای آن دلالت، و عامه مردم را برای خواندنش تحریک کند. رولان بارت در تعریف عنوان می‌گوید: «نظم‌های دلالتگر و مبتنی بر نشانه که در لابه‌لای خود ارزشهای اخلاقی، اجتماعی و ایدئولوژیک را جای داده است» (فارسی و صیادنی، ۱۳۹۵: ۱۶۷)، بنابراین رابطه عنوان و متن، تنگاتنگ است. وقتی ما به عنوان هر اثر ادبی برمی‌خوریم اولین چیزی که به ذهن ما خطوط می‌کند، این است که موضوع این متن چیست. پس عنوان نقش زیبایی‌شناختی در اثر ادبی دارد؛ نشانه‌ای است که در اول متن ظاهر می‌شود. در ادامه به نامگزینی اشعار فروغ فرخزاد پرداخته می‌شود.

از روی عنوان اشعار فروغ نیز می‌توان به گرایشها و خطوط فکری و زندگی اجتماعی وی پی‌برد. عنوان کتابهای فروغ نیز بازتابی از زندگی درونی و بیرونی خود اوست. او در کتابهای نخستین خود، اسیر و دیوار در تنگناهای زیادی قرار دارد؛ تنگنای

قاعددها و سنتهاي که زندگی و شعر او را فراگرفته است. مجموعه/سیر بیانگر مفاهم فردی، دردمدیها و آرزوهای زنی عاشق است که از خواسته‌ها و رنجهايش حرف می‌زند؛ حتی عنوان مجموعه هم رساننده این دنیای محدود و این دردهاست. دیوار نیز تجربه شخصی شاعر است؛ دنیای محدود و پر از اندوه، تجربه شکست عشقی شاعر است. سپس فروغ با عصیان بر شیوه‌های پیشین و سنتها می‌تازد. نگاه او به سمت مسائل فلسفی چون هستی و نیستی، وجود و خلقت و ... کشیده می‌شود. پس از آن، تجربه‌های نو در شعر و زندگی خود به دست می‌آورد؛ گویی متولد می‌شود و تولدی دیگر را می‌آفریند. تولد دیگر او، هم به دلیل روی آوردن به زندگی جدید و پشت پا زدن به بسیاری از رسوم و سنتهای جامعه است و هم به دلیل سروden شعر به روش نیمایی است.

زبان فروغ در سه اثر نخستش بیشتر رمانیک است و بر شبیه و توصیف استوار است؛ بعد از آشنایی با شعر نیمایی، زبان جدیدتری برای شعرش انتخاب می‌کند و زیانش به سمت نمادین شدن گرایش می‌یابد و با مجموعه تولدی دیگر و ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد نمادهای بیشتری در شعرش نمود می‌یابد.

فروغ فرخزاد یک چهره دارد با دو نیمرخ. نیمرخی که آینه چهره شاعر اسیر و دیوان و عصیان است و نیمرخی که آینه چهره شاعر تولدی دیگر و ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد است. نیمرخ اول آینه‌ای کوچک در خانه‌ای محدود، نماینده زنی تنها و معترض با تموج و تلاطم احساسات زنانه و مادرانه در قیام در برابر آداب و سنت معمول در شعرهایی به قالب چارپاره با خط محتوایی که در سطح می‌گذرد. نیمرخ دوم، آینه‌ای است در جهانی نامحدود، نماینده زنی همچنان تنها با جریان تفکری جهانی در شعرهایی آزاد و با خط محتوایی که در عمق حرکت دارد» (حقوقی، ۱۳۸۱: ۱۱ و ۱۲)؛

این دو چهره فروغ حتی در عنوان اشعارش قابل مشاهده است.

فروغ فرخزاد شاعری است نوجو، عصیانگر و سنت‌شکن. این روح نوجویی و حرکت به سوی مرزهای تازه و کشف دنیاهای عاطفی و شاعرانه جدید از ویژگیهای چشمگیر است و چیزی است که خودش نیز بدان اعتقاد دارد و شاید از همین رost که وقتی مجموعه تولدی دیگر انتشار می‌یابد از چاپ آثار پیشین خود اظهار پشیمانی می‌کند و صراحتاً می‌گوید: من متأسفم که کتابهای اسیر، دیوار و عصیان را بیرون داده‌ام؛

عنوان‌گزینی اشعار و کارکردهای زیبایی‌شناختی آن در شعر فروغ فرخزاد

زیرا من در آن سه کتاب فقط بیان‌کننده ساده‌ای از دنیای بیرونی بودم. در آن زمان شعر هنوز در من حلول نکرده بود، بلکه با من همخانه بود... مدتی پس از انتشار تولدی دیگر در مصاحبه‌ای اظهار می‌کند:

من از کتاب تولدی دیگر ماهه است که جدا شده‌ام؛ با وجود این، فکر می‌کنم که از آخرین قسمت شعر تولدی دیگر می‌شود شروع کرد؛ یک جور شروع فکری. من حس می‌کنم از پری غمگینی که در اقیانوسی مسکن دارد و دلش را در نی لبک چوینی می‌نوازد و می‌میرد و باز به دنیا می‌آید، می‌توانم آغاز کنم... (زرین کوب، ۱۳۵۴: ص. ۶۷۷)

و آغازگر ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد می‌شود.

در مجموعه دیوار شاعر خود را در منجلابی تنگ و تیره و غم‌آلود می‌بیند و همواره در انتظار دستی است تا او را نجات دهد. به بن بست می‌رسد و گویی گردآگردن همه‌جا دیوار است و دیوار و راه و روزنی به سوی روشنایی نیست. محتوای در شعر فروغ در این دوره از عشق شروع می‌شود و به شکست می‌انجامد و حاصل آن تنها بی، اندوه، سرخوردگی و انتقام و سرانجام طغیان است. فروغ پس از طی این مراحل دوران سکوت و تفکر را می‌گذراند و نطفه جدید شعر او بسته می‌شود و شعر تحول یافته‌اش چند سال بعد در کتاب تولدی دیگر ظهر می‌کند. در تولدی دیگر هم مضمون و هم محتوای تحول پذیرفته و هم شکل و قالب تغییر یافته است (زرین کوب، ۱۳۵۴: ص. ۶۸).

۹۹

❖

فصلنامه

پژوهش‌های ادبی

سال ۱۴، شماره ۷۵،

پیاپی ۱۳۹۶

این تغییر سبک و نگرش در عنوانهای اشعارش هم نمود دارد ما می‌خواهیم از طریق نشانه‌ها به متن بررسیم. یکی از این نشانه‌های برجسته و ساخته عنوان‌ها است. از طریق بررسی عنوانهای شعری فروغ، چنانکه گفته‌اند می‌توان به سه دوره شعری وی دست یافت. دوره خامی و خودشیفتگی: دوران اول با مجموعه اسیر، دیوار و عصیان (بختیاری، ۱۳۹۳: ص. ۹۲) که در عنوان گزینی، عنوانین هم بیان کننده محتوا است و از طرف دیگر عنوانهای تک جزیی انتخاب کرده؛ دوران خامی و ابتدایی شاعر. ۲) دوره گذار: دوران دوم شعری فروغ تعلق دارد به مجموعه تولدی دیگر (همان). شعر فروغ پس از تکاپوی بسیار در زبان، وزن و محتوا شکل شعر مدرن به خود گرفته و به سمت تکامل در پیش است. عنوان هم بیان کننده همین نکته است و به ترکیب‌سازی دست زده است.^۳) دوره تکامل و کمال‌گرایی: دوره شعرهای پس از تولدی دیگر که مرحله

کمال یابی وی است (ر.ک: همان). در عنوانهای مجموعه آخر خود به سمت جمله‌سازی در حرکت است.

کارکردهای نشانه‌شناختی نامگزینی در سرودهای فروغ

گاه فروغ نام شعر را از واژه شروع شعر انتخاب کرده است که در این حالت عنوان شعر در اول بندهای شعر تکرار می‌شود و به نوعی برجسته‌سازی با تکرار و تأکید است. می‌توان گفت با تکرار یک واژه یا عبارت نشان می‌دهد که واژه کلیدی شعرش کدام است. مانند شعر «دختر و بهار، یکشب، ای ستاره‌ها، شعری برای تو، آن روزها، بر او بیخشایید، جمیعه، معشوق من، پرنده فقط یک پرنده بود، پنجره». تکرار در شعر فروغ یکی از پرسامندترین آرایه‌های لفظی است که در عنوان سرودهایش نیز مشاهده می‌شود. عنوان شعر در تمام بندها و گاه چندین بار در جاهای متفاوت شعر تکرار می‌شود. این تکرار را می‌توان ویژگی سبکی شعر فروغ در نظر گرفت. در اشعار بالا تکرار عنوان باعث انسجام و وحدت شعرش شده است.

فروغ در برخی از سرودهایش عنوان را از همان بند ابتدایی انتخاب می‌کند که بسامد این نوع انتخاب در اشعار فروغ تقریباً زیاد است و در شعر معاصر دیگر شاعران نیز دیده می‌شود؛ مانند «گریز و درد، دیو شب، بیمار، حلقه، وهم سبز، در غروبی ابدی، در آبهای سبز تابستان و...».

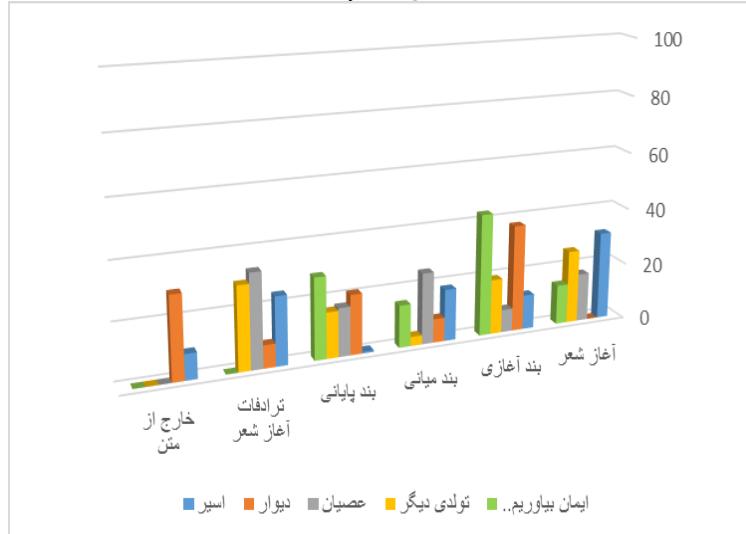
نکته‌ای که در عنوان‌گزینی شعر فروغ قابل توجه است، شاعر گاه شعرش را با متراffفات واژه یا عبارتی که برای عنوان شعرش انتخاب کرده است آغاز می‌کند. دلالتهاي شعر از طریق فرایندهایی چون انباشت و منظومه‌های توصیفی پدید می‌آید. انباشت، مجموعه کلماتی است که پی در پی گرد معنابن^۱ گرد هم می‌آیند. معنابن‌ها واحدهایی است که در فرایند انباشت به کار گرفته می‌شود. این فرایند وقتی اتفاق می‌افتد که خواننده با مجموعه کلماتی رویه‌رو می‌شود که از طریق عنصر معنایی واحدی که به آن معنابن مشترک می‌گوییم به هم مربوط می‌شوند. انباشت بر سازواری واژگانی و همسانی مقاهم همپایه مبتنی است. در اینجا تأکید بر روابط متراffد واژگان با یکدیگر و ممکن است در یک شعر چندین انباشت معنایی وجود داشته باشد (نبی لو، ۱۳۹۰: ص. ۸۵).

عنوان‌گزینی اشعار و کارکردهای زیبایی‌شناختی آن در شعر فروغ فرخزاد

در برخی از اشعار فروغ این انباشت معنایی با عنوان شعر وجود دارد. در این موارد معنابن در رأس منظومه یا انباشت جای می‌گیرد و بنابر تناسب یا ارتباطهای دیگر، زیر شاخه‌هایی در زیر مجموعه خود می‌تواند داشته باشد.

در برخی سرودها عنوان از بندهای میانی و گاه از بند آخر شعر انتخاب شده است؛ بندي که عنوان از آن انتخاب می‌شود، بند شاخص و مهم شعر بهشمار می‌آید که شاعر از طریق واژگرینی برای عنوان شعر از آن بند سعی در برجسته‌سازی آن کرده است.

عنوان شعر گاه همان پیام اصلی شعر است که شاعر سعی در تأکید آن دارد و با انتخاب پیام به عنوان واژه برتر شعر سعی در برجسته‌سازی دارد. از پربسامدترین انتخابهای شاعر استفاده از براعت استهلال در عنوان‌گزینی است. شاعر با گرینش واژه یا عبارتی، مخاطب را به پیام اصلی شعر رهنمون می‌کند. نکته قابل توجه این است که تمام اشعار فروغ، عنوان دارد و شعر بدون عنوان در مجموعه دفترهایش وجود ندارد؛ همین، نشاندهنده اهمیت عنوان‌گزینی فروغ برای شعر است.



نمودار فراوانی عنوان‌های آغازین، پیانی و ...

بررسی ساختاری عنوانهای اصلی مجموعه‌ها

ابتدا عنوانهای شعری را از نظر زبانی مورد بررسی قرار می‌گیرد. عناوین مجموعه‌ها بر حسب چند جزئی بودن به «یک جزئی، دو جزئی، سه جزئی و ... جمله» تقسیم‌بندی

می‌شود. درباره مجموعه دفترهای شعری فروغ می‌توان گفت عنوانها از واژه به سوی ترکیب و سپس به سمت جمله در حرکت است. در مجموعه اول اسیر سپس عصیان و مجموعه دیوار عنوانها یک جزئی است؛ تنها یک واژه برمی‌گزیند. فروغ از واژه به سمت ترکیب در حرکت است. مجموعه بعدی وی با نام تولیدی دیگر یک ترکیب دو جزئی است و در نهایت در مجموعه آخر ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد به یک جمله می‌رسد. در نگاهی اجمالی می‌توان گفت فروغ ابتدا کلمات تک واژه‌ای به کار برده و سپس ترکیب و در نهایت به جمله رسیده است. در اینجا فرایند شدن فروغ را به ما نشان می‌دهد. به گفته گردھاری تیکو «این آثار چنانکه از عناوین آن بر می‌آید یعنی اسیر، دیوار، عصیان، تولیدی دیگر، نشانگر تحول روحی و روانی او و شاید هم تیزبینی ایرانی وی است» (تیکو، ۱۳۶۳: ۱۹۸)

فروغ در سه دفتر اسیر، دیوار و عصیان، بیشتر عنوانهای کوتاه برای سروده‌هایش انتخاب می‌کند؛ همچنین برای عنوان این مجموعه‌ها نیز گرایش به سمت عنوانهای تک جزئی دارد. مدلول این عنوانها را می‌توان در اشعارش پیدا کرد.... فروغ در دفتر تولیدی دیگر و ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد نامی متفاوت‌تر برمی‌گریند. کتاب اسیر در واقع سمبولی از یک حالت روانی است که در آن شخص خود را گرفتار دنیایی از سنتها و تعصبات می‌یابد که امیدی برای زندگی تجهیزی کامل در آن نیست (تیکو، ۱۳۶۳: ۱۹۸). این گرفتاری از عنوان اسیر، که بر می‌گزیند مشخص می‌شود. در کل مجموعه هم عناوین شعریش بازتاب دهنده همین تفکر و حالات احساسی و روحی خود شاعر است. «افسانه تلخ، گریز و درد، دیو شب، دیدار تلخ، از یاد رفته، آینه شکسته، خسته، خانه متروک، حلقه و...». دیوار هم همین‌گونه است؛ «شخصی که می‌خواهد تمام محدودیتهای سنتی را در هم شکند؛ چرا که خود را در دنیایی از خود بیگانگی در می‌یابد که دوربرش را دیواری حصار کرده است» (همان). عناوین شعری نیز بازتاب دهنده همین تفکر است؛ مانند «قربانی، گمشده، نغمه درد، اندوه‌پرست، برگور لیلی، اعتراف، شکست نیاز، ستیزه، قهر، دنیای سایه‌ها و...».

تولیدی دیگر عنوانی رمزی و نمادین و قابل تأویل است. فروغ در گرینش این نام نوعی ابهام هنری به کار گرفته، تولیدی دیگر می‌تواند به زندگی دوباره هنری و شخصی خود شاعر اشاره باشد یا می‌تواند این‌گونه برداشت کرد که شاعر برای مخاطبش

عنوان‌گزینی اشعار و کارکردهای زیبایی‌شناختی آن در شعر فروغ فرخزاد

مژدگانی می‌دهد که تولد دیگری «آفرینش اثر هنری دیگری» در راه است؛ اثربه نام ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد؛ مجموعه‌ای که بر خلاف عنوانش چندان طولانی نیست و کوتاهترین دفتر شعر فروغ است. فروغ در چهارمین اثر خود، تولدی دیگر چنین می‌نماید که بار دیگر رشد یافته و به نوعی وحدت و یگانگی و سعادت ابدی چنگ زده است.

مجموعه اسیر

مجموعه اسیر شامل سی و سه عنوان شعر است که در این مجموعه چهارده عنوان شعری تک جزئی است؛ مانند: «پاییز، ص ۸۱، ص ۹۳، ص ۱۱۷ و ...». عنوانهای دو جزئی در این مجموعه شامل ده عنوان است. برخی از این عنوانها عبارت است از «دوست داشتن، ص ۸۳، ص ۹۰، ص ۱۰۰، ص ۱۱۵ و ...». ده شعر این مجموعه، عنوان سه جزئی دارد؛ مانند «با کدام دست؟ ص ۷۷، ص ۸۷، ص ۱۰۸ و ...». عنوانهای این مجموعه بیشتر ذهنی و انتزاعی است تا عینی؛ مانند «دوست داشتن، وداع، ص ۸۳، ص ۸۷، ص ۱۱۲، ص ۱۵۳ و ...»؛ چون فروغ از مفاهیم فردی از حالات روحی و از زندگی خصوصی خود بیشتر می‌سراید در عناوین به سمت واژگان ذهنی گرایش بیشتری نشان می‌دهد.

مجموعه دیوار

این مجموعه شامل بیست و چهار شعر است. عنوانهای تک جزئی چهارده عنوان است که عنوان مجموعه هم یکی از شعرهای همین مجموعه است؛ تقریباً شعری در اواخر مجموعه با نام دیوار. برخی از این عنوانها شامل عنوانهایی همچون «رویا، ص ۱۸۳، ص ۱۸۸، ص ۱۹۱ و ...» است. هفت شعر این مجموعه عنوان دو جزئی دارد؛ مانند «نغمه درد، ص ۱۸۶، ص ۱۹۶، ص ۲۰۹، ص ۲۱۵ و ...». سه عنوان مجموعه دیوار سه جزئی است که عبارت است از «برگور لیلی، ص ۲۰۳، ص ۲۱۲ و ...». در مجموعه دیوار از نظر ذهنی یا عینی بودن عنوانها باز هم عناوین ذهنی و انتزاعی نمود بیشتری دارد؛ «رؤیا، نغمه درد، ص ۱۸۶، ص ۱۹۱، ص ۲۰۷، ص ۲۰۹ و ...».

مجموعه عصیان

عصیان که از نام عنوان شعری از همین مجموعه انتخاب شده است شامل دوازده شعر است. نه شعر این مجموعه تک جزئی است مانند «پوچ»، ص ۲۵۴، ص ۲۶۱، ص ۲۶۷، ص ۲۶۳، ص ۲۷۷...» تنها یک شعر این مجموعه دو جزئی است با نام «بلور رویا». و دو شعر این مجموعه نیز سه جزئی است که شامل «شعری برای تو» و «از راهی دور» است، می‌شود. در مجموعه عصیان هم بیشتر عنوانها ذهنی است؛ «پوچ»، ص ۲۵۴، ص ۲۵۸، ص ۲۷۷ و ...

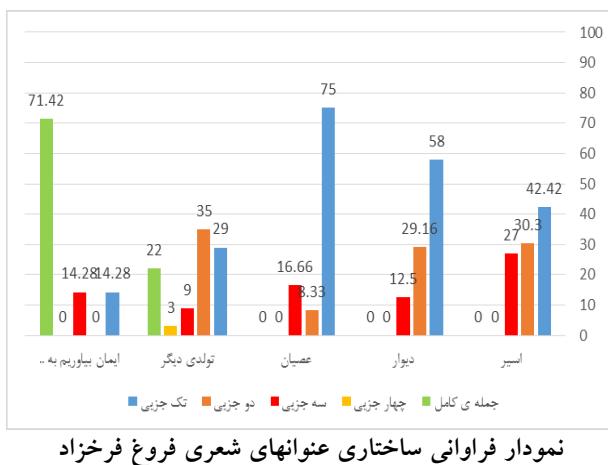
مجموعه تولیدی دیگر

تولیدی دیگر شامل ۳۱ شعر است که ۹ شعر آن با عنوانهای تک جزئی عبارت است از «غزل»، ص ۳۲۳، ص ۳۳۰، ص ۳۳۵، ص ۳۳۷ و ...». عنوانهای دو جزئی، که یازده شعر این مجموعه را شامل می‌شود و عبارتند از «وهם سبز»، ص ۲۸۹، ص ۲۹۸، ص ۳۰۵، ص ۳۸۳ و ...». سه شعر با عنوان سه جزئی هست؛ مانند «بر او بخشائید، دیدار در شب»، در غروبی ابدی». در این مجموعه عبارتهای طولانی چهار جزئی و پنج جزئی هم دیده می‌شود که عنوانهایی به صورت یک جمله کامل هست همراه با فعل؛ مانند «باد ما را خواهد برد»، ص ۳۸۷، ص ۳۹۹، ص ۴۰۱ و در مجموعه تولیدی دیگر نامگذیری اشعار عینی است؛ از طبیعت؛ از اشیایی که در اطرافش می‌بیند و ... استفاده می‌کند؛ مانند «آفتاب می‌شود»، ص ۳۰۷، ص ۳۰۲، ص ۳۱۲، ص ۳۳۹، ص ۳۶۸، ص ۳۹۹ و ...».

ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد

هفت شعر در مجموعه ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد هست که شعر «پنجره» فقط عنوان تک جزئی دارد. شعر «بعد از تو» سه جزئی است و بقیه شعرها عنوانی طولانی در حد یک جمله دارد؛ مانند «ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد...» که اولین شعر این مجموعه است و «کسی که مثل هیچ‌کس نیست» و در ادامه نمودار فراوانی عنوانها مشخص شده، و نمودار هم گویا است که فروغ در دو مجموعه آخر از جمله کامل برای عنوان‌گرینی اشعارش استفاده کرده و این نشاندهنده تغییر سبک و نگرش شاعر است.

عنوان‌گزینی اشعار و کارکردهای زیبایی‌شناختی آن در شعر فروغ فرخزاد



نمودار فراوانی ساختاری عنوانهای شعری فروغ فرخزاد

تحلیل کارکردهای زیبایی‌شناختی و محتوایی عنوانهای شعری در اشعار فرخزاد

عنوانهای شعری را می‌توان براساس کارکرد هنری نیز بررسی کرد. منظور، استفاده از آرایه‌هایی است که صورخیالی مؤثری است. بیشترین آرایه در نامگزینی اشعار فروغ به براعت استهلال مربوط است. از نظر اصطلاحی، براعت استهلال یکی از صنایع معنوی بدیع، و آن زمانی است که شاعر یا نویسنده، آغاز متن خود را به گونه‌ای خلق کند و در آن نکته‌ها و واژه‌هایی را بگنجاند که گویای متن اصلی سروده یا نوشته باشد به گونه‌ای که مخاطب از خواندن این آغاز یا مقدمه به حال و هوای کلی اثر پی ببرد و دریابد که نویسنده یا شاعر از چه چیزی می‌خواهد حرف بزند. در شعر نو، عنوان گاه همان کارکرد براعت استهلال در اشعار و متون کهن را انجام می‌دهد. شاعر با گزینش واژه‌ای برای عنوان، که در بردارنده دغدغه اصلی و پیام شعرش باشد از این صنعت استفاده می‌کند؛ با عنوان شعر خلاصه‌ای از شعرش را برای مخاطب بیان می‌کند؛ یعنی این عنوان در حکم نشانه و علامتی برای راهنمایی مخاطب است.

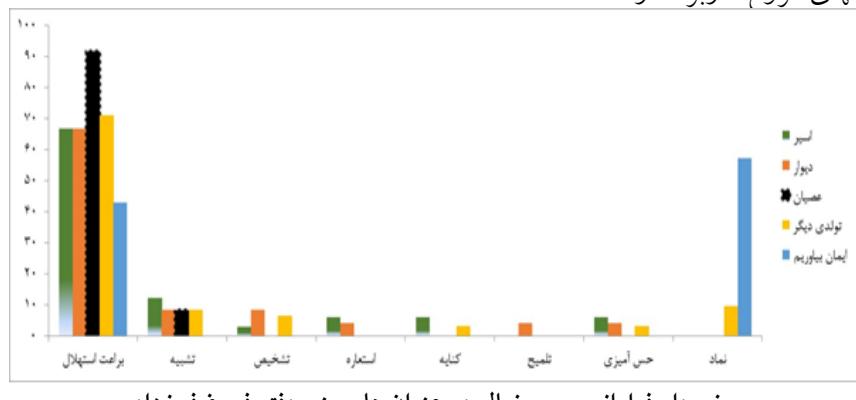
اگر عنوان شعر در حکم براعت استهلال باشد، قاعده‌تاً بین عنوان و متن، انسجام و وحدت بیشتری وجود خواهد داشت. در شعر فروغ بیشتر عنوانها دارای صنعت براعت استهلال است و این عنوانها در نتیجه به درون متنی بودن واژه‌گزینی ختم خواهد شد؛ یعنی گزینش عنوان از متن از بین شاه کلیدها یا واژگان کلیدی متن صورت می‌گیرد.

استفاده زیاد از براعت استهلال بیانگر نکته مهمتری است؛ به کارگیری این آرایه

می‌تواند در راستای یکپارچه نمودن اندیشه‌های شاعر صورت پذیرد. به عبارت دیگر، حضور این آرایه در عنوان شعر، می‌تواند ابزاری باشد برای ایجاد وحدت و انسجام شعری که از آن به وحدت ارگانیک یا نماد ساختمند تعبیر می‌شود.
(روحانی و عنایتی، ۱۳۹۴: ص ۹۶)

اشعاری مانند «از دوست داشتن»، ص ۷۷، ص ۸۱، ص ۱۷۵، ص ۱۹۱، ص ۳۳۷... .

تشبیه در عنوانهایی مانند «بلور رؤیا»، ص ۹۰، ص ۱۵۵، ص ۱۹۱، ص ۲۱۷... از آرایه‌های دیگری که نسبت به دیگر آرایه‌ها در عنوانهای شعری فروغ کاربرد بیشتری دارد؛ استعاره است؛ مانند «شکست نیاز»، ص ۲۰۹، ص ۳۵۷، ص ۳۴۳... کنایه در چشم به راه، ص ۱۱۵، ... حس‌آمیزی «دیدار تلخ»، ص ۸۳، ص ۳۱۲، ... نماد مانند «دیوار»، ص ۴۱۵، ص ۴۲۳، ... یکی از زیباترین گونه‌های صور خیال، تصریفی است که ذهن شاعر در اشیا و عناصر طبیعت می‌کند و از رهگذر نیروی تخیل خویش به آنها حرکت و جنبش می‌بخشد. تشخیص «ای ستاره‌ها»، ص ۱۳۵، ص ۲۴۰، ... ص ۷۹، ... دیگر آرایه‌ای است که در عنوان سرودهای فروغ دیده می‌شود. شاعرگاه در صدد یافتن جایگاه خود در هستی بر می‌آید و از این رو با طبیعت بیجان به گفتگو می‌پردازد. گفتگو با طبیعت در عنوانهای شعری فروغ نمود پیدا کرده است. در این موارد گویی فروغ به گونه‌ای به همذات‌پنداری با طبیعت پرداخته است. وی طبیعت را به پویایی و ادار می‌نماید و بدان جان و جنبش می‌بخشد تا طبیعت نیز در صدد بیان عواطف پنهان و اندیشه ژرف او بر آید. ایهام در «گمشده» و تلمیح «برگور لیلی» نیز در عنوانهای فروغ کاربرد دارد.



بررسی عنوانها از نظر محتوایی

یکی دیگر از زمینه‌هایی که می‌شود عنوانهای شعری را بررسی کرد، رویکرد محتوایی و معنایی است. بررسی معنایی نامگزینی اشعار در شناخت اندیشه شاعر کمک شایانی می‌کند؛ چون شاعر عنوان را واژه یا عبارتی انتخاب می‌کند که در بردارنده اندیشه، خواسته‌ها و اهداف خود باشد و از این رو توجه به مفاهیم و معانی عنوانها حائز اهمیت است و راهگشای خواننده در خوانش متن و درک بهتر و سریعتر متن و محتوای متن است. شاعر از بین واژگان یا مفاهیم شعرش عبارت و واژه‌ای را گلچین می‌کند و برای نام شعر برمی‌گزیند؛ پس توجه به عنوان اشعار، یکی از راههای دسترسی به اندیشه و محتوای شاعر است.

۱. احساسات و عواطف شخصی (مرگ اندیشه و زوال در کنار عشق)

یکی از داغدغه‌های اصلی فروغ بویژه در سه دفتر نخست، پرداختن به مفهوم «عشق»، «گناه» و «عواطف و احساسات» است. کم کم فروغ از احساس به سوی تفکر در حرکت است. شاید این تفکر از مجموعه عصیان خود را نشان می‌دهد. با بررسی عنوانین شعری در سه مجموعه نخست، شاعر بیشتر درگیر خویش و ماجراهای زندگی خود است؛ بیشتر از مسائل شخصی و شکست در عشقش حرف می‌زند. مسائل برون متنی و عوامل محیطی زندگی شاعر در عنوان‌گزینی اشعار و متقابلاً در متن سروده‌های فروغ نمود دارد. عواطف و احساسات شکست‌خورده، تنها‌یی و اندوه در شعرش بازتاب دارد. فضای اندوه و تأسف بر بخش گسترده‌ای از عنوانهای شعری وی سایه انداخته است؛ مانند «دوست داشتن» ص ۷۹، ص ۸۷، ص ۸۱، ص ۱۰۰، ص ۱۰۸، ص ۱۱۹، ص ۱۵۱، ص ۲۳۱، ص ۲۲۲، ص ۲۵۱ و البته در مجموعه عصیان اندکی از فضای بسته دنیای شخصی اش فاصله گرفته است.

در مجموعه تولیدی دیگر و ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد، تغییر نگرش فروغ در عنوانها مشهود است. عنوانهای این دو مجموعه نشانده‌نده این است که مسائل ذهنی شاعر از محدوده فردی پا فراتر نهاده است. این تغییر بزرگ از عنوان تولیدی دیگر کاملاً مشخص است. شاعر گویی دوباره متولد شده؛ شعرش و اندیشه‌اش تغییر کرده و گویی هویت تازه‌ای یافته است؛ مانند «آفتاب می‌شود» ص ۲۹۸، «آیه‌های زمینی» ص ۳۶۱، «پنجره» ص ۴۴۴، «دلم برای باغچه می‌سوزد» ص ۴۴۹ و

عشق در مجموعه تولدی دیگر و ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد با دید عاشقانه و احساسی که در سه مجموعه قبل داشته متفاوت است. این عشق باعث رسیدن به کمال و غایت شاعر می‌شود و شاید بتوان گفت شعرش اندکی رنگ و بوی شهود می‌گیرد بویژه با شعر پرنده مردنی است که آخرین شعر وی است. در مجموعه تولدی دیگر و ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد به مسائل اجتماعی انسان قرن خویش اشاره دارد که این تغییر در عنوانهای وی نیز قابل مشاهده است و از طریق تغییر در عنوان‌گزینی می‌توان به تغییر نگرش شاعر و قاعده‌تاً تغییر در محتوا و مفهوم سرودهایش پی‌برد.

۲. طبیعت‌گرایی

آنچه بیش از مفاهیم دیگر در شعر فروغ به چشم می‌خورد، اشاره به طبیعت است. «طبیعت، تقریبا در مرکز نگاه شاعرانه همه شاعران قرار گرفته است؛ اما هر یک به طرز خاص خود به آن می‌نگرد. فروغ نگاهی استعاری - سمبولیک به طبیعت دارد» (زرقانی، ۱۳۸۴: ۵۱۰). نگاه فروغ به طبیعت در دو مجموعه تولدی دیگر و ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد همانند نگرشش به شعر تحول می‌یابد. طبیعت‌گرایی از موضوعات مهم شعر فروغ است؛ در عنوانهای سرودهایش از عناصر طبیعی همچون پاییز، شب، بهار، آفتاب، خاک، باد، شکوفه، موج، مرداب، غروب و... بهره گرفته است. فروغ گاه از عناصر طبیعی در عنوانهای شعرش برای صور خیال استفاده کرده است مانند شعر شکوفه اندوه، ص ۳۷۸، ص ۳۴۳، ص ۷۹، ... گاه استفاده از این عناصر طبیعی در شعرش کاربرد نمایدین داشته است؛ مانند «پرنده مردنی است»، ص ۴۲۳، ص ۲۹۸ و ... عشق به پیوستن و یگانگی با طبیعت نیز در عنوان سرودهایش مشاهده می‌شود؛ مانند «به آفتاب سلامی دوباره خواهم کرد». شاعر گاه در صدد یافتن جایگاه خود در هستی بر می‌آید و از این رو با طبیعت بیجان به گفتگو می‌پردازد. گفتگو با طبیعت در عنوانهای شعری فروغ نمود پیداکرده است. در این موارد گویی فروغ به گونه‌ای به همذات‌پنداری با طبیعت پرداخته است. وی طبیعت را به پویایی و ادار می‌نماید و بدان جان و جنبش می‌بخشد؛ بدین‌گونه طبیعت نیز در صدد بیان عواطف پنهان و اندیشه ژرف او بر می‌آید. از این رو هنرمند می‌کوشد با بخشیدن شخصیت انسانی به اشیا این امر را تحقق بخشد. در نتیجه هنگامی که از دریچه چشم او به طبیعت و اشیا می‌نگریم، همه چیز در برابر ما سرشار از زندگی و حرکت و حیات است.

عنوان‌گزینی اشعار و کارکردهای زیبایی‌شناختی آن در شعر فروغ فرخزاد

۳. مرگ‌اندیشی

یکی از دیگر از مفاهیم شعری فروغ مرگ‌اندیشی و هراس از ویرانی و نابودی است. این اندیشه در تمام دفترهای شعری فروغ نمود دارد و فقط بازتاب آن متفاوت است. فروغ در دفترهای نخستین خود نگاهش به مرگ از روی بیزاری از زندگی است. حوادث زندگیش باعث می‌شود نوعی نگاه منفی و نومیدانه به زندگی داشته باشد؛ تنها یعنی، شکست در عشق، شکست در نقش مادری و ... دلایلی است که فروغ به زوال و مرگ بیندیشد ولی با تحول اندیشه و نگرش و شعرش رویکردش به مرگ‌اندیشی و زوال نیز تغییر می‌کند؛ دیگر فروغی نیست که فقط بازتاب دهنده دغدغه‌های شخصی و روزمره خود باشد بلکه اندیشه انسانی دارد؛ دیگر شعرش بازتاب دهنده دردهای شاعری است که جهانی می‌اندیشد؛ به هستی، انسان و زوال انسان و نوع بشری می‌نگرد. در شعر باد ما را خواهد برد در عنوان شعرش به نیستی و زوال انسان اشاره دارد؛ در شب کوچک من دله ره ویرانیست / گوش کن وزش ظلت را می‌شنوی؟ پشت این پنجه شب دارد می‌لرzd / و زمین دارد / باز می‌ماند از چرخش ...

در شعر پرنده مردنی است باز هم در عنوان شعرش به زوال و نیستی اشاره دارد؛ دلم گرفته / به ایوان می‌روم و انگشتانم را / بر پوست کشیده شب می‌کشم / چراغهای رابطه تاریکند/کسی مرا به آفتاب معرفی نخواهد کرد... در شعرهای «آیه‌های زمینی»، ۱۰۹ ◆ ص ۳۵۰، ص ۳۶۹ و ... نیز دغدغه هراس و نابودی وجود دارد.

تحلیل مدلولهای چند شعر از فروغ بر اساس عنوانها

از مجموعه اسیر

«وداع»

عنوان شعر تک جزئی است. این شعر از مجموعه/سیر انتخاب شده است. از آنجا که این مجموعه بیشتر حالات و احساسات شخصی شاعر را در بر دارد، عنوان گزینش شده در راستای عنوان مجموعه انتخاب شده است. واژه وداع القا کننده جدایی و رفتن است؛ تداعی کننده رفتن و دل کننده است. شروع شعر با فعل می‌روم با عنوان شعر تناسب کاملی دارد. بندهای شعر با می‌روم، می‌برم و تکرار این دو فعل تداعی کننده وداع و دل کننده و رفتن است اما چگونه رفتنی؟

«می‌روم خسته و افسرده و زار / سوی منزلگه ویرانه خویش / به خدا می‌برم از شهر شما / دل شوریده و دیوانه خویش ... پس رفتنی که همراه با خستگی و آزردگی است؛

همراه با دل کندن» می‌روم خنده به لب، خونین دل / می‌روم از دل من دست بدار / ای امید عیث بی حاصل. پس مخاطب ابتدا عنوان را می‌بیند و در نگاه بعدی با فعل می‌روم به قطعیت می‌رسد که رفتن و گذشتگی در کار است؛ رفتن خود، به تنهایی نه ؛ بلکه باید دل کند؛ رفتن به اجبار و تlux همچون واژه تlux وداع. عنوان در حکم براعت استهلال است و ذهن مخاطب را برای پیام و مفهوم، آماده می‌سازد که رفتن و دلکندن از عشق است؛ به نوعی نوستالژی؛ دوران قبل از عاشق شدن شاعر نیز اشاره دارد. به خدا غنچه شادی بودم / دست عشق آمد و از شاخم چید / شعله آه شدم صد افسوس / که لبم باز بر آن لب نرسید در محور جانشینی غنچه شاد را به جای خود می‌نشاند که با دست عشق چیده شده، دوباره شعله آه را برای بیان حال خودش می‌آورد و جانشین حال خود می‌کند.

«دوست داشتن»

مجموعه‌ای سیر با شعر دوست داشتن شروع می‌شود؛ همان‌گونه که قبلاً اشاره شد بیشتر متقدان معتقدند که سه مجموعه نخست فروغ بیشتر مفاهیم فردی و زندگی شخصی فروغ را در برمی‌گیرد. پس این مجموعه را هم با «دوست داشتن» آغاز می‌کند. یکی از کلید واژه‌های اساسی فروغ در این برره از زندگی او «دوست داشتن» و طلب عشق از مردی است که فروغ عاشقش بوده است. عنوان شعر از بند سوم گزینش شده است. «آری آغاز دوست داشتن است / گرچه پایان راه ناپیداست / من به پایان دگر نیندیشم / که همین دوست داشتن زیباست». تکرار همین بند در آخر شعر نشان می‌دهد که تأکید فروغ بر دوست داشتن است و دلیل شروع مجموعه‌ای سیر با عنوان «دوست داشتن» اهمیت عشق و دوست داشتن در اندیشه شاعر است. عنوان در حکم براعت استهلال است و از طریق آن براحتی ذهن مخاطب به محتوا و پیام شعر ارجاع داده می‌شود. در ادامه شعر با بندایی که می‌آورد، همگی حاکی از عشق و خواهش است. «دانی از زندگی چه می‌خواهم / من تو باشم، تو، پای تا سر تو».

«دیو شب»

عنوان را در این شعر از همان بند اول ترکیب «دیو شب» برای شعرش برمی‌گزیند که شیوه‌ای معمول حتی نزد معاصران است که اشعار گذشتگان را بدان نامیده‌اند. این شیوه از آنجا که تکرار است در محور همنشینی زبان شعر جاری است و هم نوعی تاکید در خود دارد. شاعر شب را به دیو تشبیه کرده است؛ شاید در سیاهی، شاید در وحشت و

عنوان‌گزینی اشعار و کارکردهای زیبایی‌شناختی آن در شعر فروغ فرخزاد

ترس از دیو و ترس از شب که این همه تداعیهایی دارد، پیرو مدلولهای متعدد. در سرتاسر شعر رابطه شب با دیو با چینش واژگانی که انتخاب می‌کند، دیده می‌شود. تاریکی، وحشت، چشم پر آتش و خون، خون به کف، نعره زنان و ... «لای لای، ای پسر کوچک من» / دیده بریند، که شب آمده است / دیده بریند، که این دیو سیاه / خون به کف، خنده به لب آمده است». در محور جانشینی دیو سیاه را به جای شب می‌شاند. دیو سیاه استعاره از شب است؛ شب متحرک است در حال آمدن خون به کف دارد و خنده بر لب درحال آمدن است. شعر دیو شب غم و اندوه و تنها ی فروغ را نشان می‌دهد که در خیال خود برای پسرش لالایی می‌خواند و فرزندش را به آرامش دعوت می‌کند. گفتگویی بین مادر و دیو سیاه «شب» در شعر روایت می‌شود که حاکی است که دیو زبان به اعتراض می‌گشاید. در بندهای دیگر باز عنوان تکرار می‌شود. در این شعر تکرار عنوان برای تأکید و برجسته‌سازی عبارت به کار گرفته شده است و از عنوانی که انتخاب می‌کند، ذهن خواننده راحت‌تر به محتوا و مفهوم می‌رسد. انتخاب واژه دیو در کنار شب ترس و وحشت و تنها ی را تداعی می‌کند.

«گریز و درد»

عنوان شعر از دو واژه گریز و درد تشکیل شده است. گریز تداعی‌کننده رفتن، حرکت و فرار کردن است. با آوردن درد کنار گریز می‌رساند حرکت و فراری که با درد همراه است. در خوانش شعر فعل «رفتم» که آغازگر شعر است، همان متادف گریز است. «رفتم، مرا ببخش و مگو او وفا نداشت / راهی بجز گریز برایم نمانده بود / این عشق آتشین پر از درد بی امید / در وادی گناه و جنونم کشانده بود». پس راهی بجز گریز نمانده بود. درد هم از عشق آتشین نشأت گرفته است. در بندهای دیگر شعر با فعل رفتم و گریختن متادفات دیگر گریز را به کار می‌برد.

از مجموعه دیوار

«رؤیا»

اولین شعر مجموعه دیوار «رؤیا» نام دارد، عنوان انتخاب «رؤیا» برای اولین شعر این مجموعه بی‌ارتباط با عنوان مجموعه دیوار نیست. این عنوان از فضای رؤیایی و خیالی سرتاسر شعر گرفته شده است. کل شعر در بردارنده رؤیایی دخترکی است شاید دخترک همان شاعر باشد که در خیال خود، چشم به راه شاهزاده‌ای است که روزی از راهی دور خواهد آمد و او را به آرزوهایش خواهد رساند. عنوان شعر القا کننده محتوا

«دیوار»

و اندیشه شاعر نیز هست. شاعر به دنبال دنیای آرمانی است و با گزینش واژه «رؤیا» برای این اندیشه مخاطب را برای خواندن شعر ترغیب می‌کند.

عنوان مجموعه خود را از همین شعر «دیوار» گزینش کرده است؛ عنوانی که نام مجموعه می‌شود همیشه در نظر شاعر شاخص بوده است. می‌شود گفت آن شعر چکیده و فشرده آن مجموعه است؛ اندیشه اصلی شاعر، حرف دل شاعر و مرکزیت مجموعه است. عنوان را از بند اول انتخاب می‌کند. چشم‌های وحشی تو/ گرد من دیوار می‌سازد / می‌گریزم از تو در بیراهه‌های دور... دیوار تداعی کننده محدودیت، زندان بودن، اسیری و مانع است. شاعر دنیا را همچون زندانی می‌بیند که در پی گریز از این مانع و رسیدن به شهر آرزوهاست. با تکرار گرد من دیوار می‌سازد، شاعر در پی تثبیت این اندیشه است که دنیا زندان است برای او؛ در پی آزادی و قدم در دنیای پر از ارامش نهادن هست.

از مجموعه تولدی دیگر

«پنجره»

عنوان شعر از همان واژه نخست شعر گرفته شده است. پنجه دال و نشانه است و مدلول آن می‌تواند فضای بیرون و دنیای بیرون باشد. شاعر از درون به وسیله پنجه بیرون را می‌نگرد. برای دیدن و شنیدن پنجره ای کافی است زمان را مشخص نمی‌کند تا نوعی ابدیت به آن ببخشد. یک پنجه برای دیدن / یک پنجه برای شنیدن / یک پنجه که مثل حلقه چاهی / در انتهای قلب خود به زمین می‌رسد... پنجه عنصری پیوند دهنده است با بیرون؛ شاعر با همین پنجه با دنیا ارتباط برقرار می‌کند. عنوان رساننده متن و محتوای شعر است. پنجه قابی که دنیای درون و بسته و خانه شاعر را با دنیای بیرون و فضای باز وصل می‌کند. خواننده با دیدن عنوان چندین تداعی معنایی برایش پیدا می‌شود؛ یکی نور، فضای بازتر، ارتباط و... در ادامه شعر می‌گوید حرفی به من بزن / من در پناه پنجه ام / با آفتاب رابطه دارم... تکرار واژه باعث تثبیت شدن در ذهن مخاطب می‌شود. نقطه مرکزی شعر پنجه است. خود شاعر هم می‌گوید یک پنجه برای من کافی است/ یک پنجه به لحظه آگاهی و نگاه و سکوت.

«آفتاب می‌شود»

شعر آفتاب می‌شود از مجموعه تولدی دیگر این عنوان با مجموعه تولدی دیگر همخوانی

عنوان‌گزینی اشعار و کارکردهای زیبایی‌شناختی آن در شعر فروغ فرخزاد

دارد. آفتاب شدن و طلوع آفتاب خود نشانه‌ای از نور، زندگی و به نوعی تولدی دیگر و حیاتی دوباره است. همیشه پس از تاریکیها یا بعد از باران و ابری بودن باید منتظر آفتاب بود. حال فروغ این عنوان آفتاب می‌شود را در این مجموعه برای شعرش انتخاب می‌کند و به نوعی پس از تاریکی‌ها منتظر طلوع و دمیدن آفتاب است. در شعر آفتاب می‌شود واژه اصلی طلوع یا دمیدن آفتاب است. این عنوان را از پایان شعرش برミ‌گزیند؛ پس از اینکه شاعر مرحله به طلوع آفتاب نزدیک می‌شود، نگاه کن که غم درون دیده‌ام / چگونه قطره قطره آب می‌شود / چگونه سایه سیاه سرکشم / اسیر دست آفتاب می‌شود. شاعر از روابط کلمات واج‌آرایی در محور همنشینی استفاده کرده است؛ همین‌طور با تقابل سایه و آفتاب؛ وقتی آفتاب طلوع می‌کند غم کم آب می‌شود و از بین می‌رود. آفتاب سایه و تاریکی را هم از بین می‌برد؛ پس با آوردن تناسبات در محور همنشینی کلام روایت آفتاب شدن را بیان می‌کند. «شراره‌ای مرا به کام می‌کشد / مرا به اوج می‌برد / مرا به دام می‌کشد / نگاه کن تمام آسمان من / پر از شهاب می‌شود... در محور جانشینی به جای آفتاب واژه شراره را به کار می‌برد؛ همین‌طور تشخیص نیز دارد. به راه پر ستاره می‌کشانی ام / فراتر از ستاره می‌نشانی ام و در انتهای می‌گوید تو میدمی و آفتاب می‌شود» تو را جانشین آفتاب می‌کند؛ گویی با دمیدن و طلوع کردن تو هست که آفتاب می‌شود؛ به نوعی تکامل تدریجی و مرحله به مرحله را بیان می‌کند؛ برای رسیدن به تولدی دیگر باید از این مراحل چندگانه گذر کند. خواننده با عنوانی که فروغ برای شعرش برミ‌گزیند به این نکته می‌رسد که در انتهای به نور و روشنی ختم خواهد شد.

به آفتاب سلامی دوباره خواهم داد

شعر «به آفتاب سلامی دوباره خواهم داد» از مجموعه تولیدی دیگر است. عنوان شعر گویا است که فروغ در انتخاب نامگزینی این شعر در راستای نامگزینی مجموعه شعرش کوشیده است. «به آفتاب سلامی دوباره خواهم داد» به گونه‌ای تداعی‌کننده همان تولد دیگر است. تولد دیگر یعنی تولدی دوباره و سلام دوباره به آفتاب دادن نیز یعنی سلامی دیگر؛ یعنی نو شدن؛ زنده شدن؛ فروغ در ادامه این شعر نیز به رویش دوباره، به پویایی، به حرکت و زندگی اشاره دارد. تمام این معانی تداعی‌کننده همان تولد دیگر است. شاعر با تکرار سلامی دوباره خواهم داد این حس بودن و شدن دوباره را به مخاطب القا می‌کند. در بنده از شعر با آوردن سه بار فعل می‌آیم، می‌آیم، می‌آیم تأکیدی دیگر است بر آمدن و به دنیا آمدن و به قول خود فروغ تولدی دیگر.

به آفتاب سلامی دوباره خواهم داد/ به جوییار که در من جاری بود/ به ابرها که فکرهای طویل بودند/ به رشد دردناک سپیدارهای باغ که با من/ از فصلهای خشک گذر می‌کردند. جوییاری که در فروغ جاری است، ابری که در حکم فکرهای فروغ است. در این مصروعها فروغ به جاندارپنداری طبیعت می‌پردازد؛ حتی سپیدارها که از فصل خشک با من گذر کردند تمام اینها نشانهایی است برای انتقال مفهوم و پیام شعرش که همان از نو متولد شدن فروغ باشد؛ سلامی دوباره دادن فروغ یعنی بازنگری در اندیشه، یعنی آشتی با طبیعت و از زاویه‌ای نزدیک به طبیعت نگاه کردن. رشد دردناک من و سپیدار؛ علاوه بر جانبخشی به سپیدار به زندگی خودش اشاره دارد. اشاره به مراحل پیشین زندگیش که با درد از آن فصلها گذر کرده و اینک به فصل دیگری از زندگی رسیده است؛ اینک به تولدی دیگری رسیده است. در این شعر در محور همنشینی از تناسب بین واژگان استفاده کرده و برای انسجام شعرش و همچنین از استعاره در محور جانشینی سود برد است. در ادامه می‌گوید به مادرم که در آینه زندگی می‌کرد/ و شکل پیری من بود. آینه رمز خاطرات گذشته فروغ است؛ با آوردن فعل زندگی می‌کرد نشاندهنده گذشته است. مادری که در آینه زندگی می‌کرد و اکنون فروغ آن را شکل پیری خودش می‌بیند. فروغ هم مانند مادرش است شاید همان‌گونه که مادر فروغ در زندگی فراواقعی در آینه برای فروغ وجود داشته است، فروغ نیز خود مادری است برای پرسش فراواقعی چون در کنار پرسش نیست. در بند آخر می‌گوید و می‌آیم، می‌آیم، می‌آیم/ و آستانه پر از عشق می‌شود/ و من در آستانه به آنها که دوست می‌دارند/ و دختری که هنوز آنجا/ در آستانه پر عشق ایستاده، سلامی دوباره خواهم داد. این بند مفهوم کلی شعر را که همان عشق باشد بیان می‌کند؛ دختر جوانی که شاید جوانی خود فروغ باشد.

از مجموعه ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد «جمعه»

شعر «جمعه» عنوان را از همان واژه آغازین شعر گرفته است و با صفت‌هایی که برای جمعه می‌آورد، فضای کسالتبار و سنگین و غم و اندوه را به مخاطب انتقال می‌دهد. جمعه ساكت/ جمعه متروک/ جمعه چون کوچه‌های کهن، غم‌انگیز/ جمعه اندیشه‌های تنبل، جمعه خمیازهای موذی کشدار/ جمعه بی‌انتظار/ جمعه تسليم... شاعر برای اینکه یک روز کسل و تلغی را در اوج نامیدی به تصویر بکشد با تکرار جمعه در اول ایات بر آن تأکید می‌کند. عنوان با فضای غم و اندوه متن کاملاً هماهنگی دارد و انسجام شعر

عنوان‌گزینی اشعار و کارکردهای زیبایی‌شناختی آن در شعر فروغ فرخزاد

در عنوان و فضا و محتوا را می‌بینیم. در این شعر از صنعت تشبیه بهره گرفته است؛ البته هم تشبیه هم تشخیص، جمعه گاه مانند انسانی بیمار است؛ گاه موذی است و خمیازه می‌کشد و گاه تسليم. از طرف دیگر جمعه همان خانه خالی و متروک شاعر است یا بهتر است بگوییم خانه خالی و متروک شاعر همان جمعه کسالتبار است.

«بعد از تو»

فروغ عنوان شعر را از همان بند اول انتخاب می‌کند. عبارت بعد از تو مشخص می‌کند که از گذشت کسی یا چیزی اندوهگین است؛ اما این تو چه کسی است؟ در همان آغاز شعر ای هفت سالگی / ای لحظه شگفت عزیمت / بعد از تو هر چه رفت، در انبوهی از جنون و جهالت رفت. پس در محور جانشینی تو را به جای هفت سالگی می‌نشاند؛ هفت سالگی همان لحظه شگفت عزیمت است که فروغ با تأسف از گذشته از دست رفته خود یاد می‌کند؛ هفت سالگی را مورد خطاب خود قرار می‌دهد و از آن به لحظه شگفت عزیمت یاد می‌کند. براستی چه لحظه‌ای برای فروغ لحظه عظیمت است؟ تکرار عبارت بعد از تو باز هم نشانده‌نده تأکید است؛ این عبارت بعد از تو در تمام بندهای شعر تکرار می‌شود. بعد از تو پنجره که رابطه‌ای بود سخت زنده و روشن/میان ماه و پرنده/ میان ما و نسیم/ شکست و... در تمام بندهای شعر، روزهای بعد از هفت سالگی ۱۱۵ ◆ را تشریح می‌کند که جای خود را به زندگی تصنیع داده است. عنوان شعر رسانده تأسف و اندوه است که بر سراسر شعر غالب است.

«دلم برای باغچه می‌سوزد»

شعر «دلم برای باغچه می‌سوزد»، یکی از اشعار نمادین فروغ از مجموعه /یمان بیاوریم به آغاز فصل سرد است. عنوان شعر یک جمله کامل است، باغچه واژه نمادین شعرش است که در بندهای مختلف شعر تکرار شده است. تکرار باغچه تأکید آن را می‌رساند؛ پس مشخص می‌شود کانون مرکزی شعرش «باغچه» است. در محور جانشینی زبان از تشخیص بهره گرفته است. باغچه دارد می‌میرد؛ چون دارد می‌میرد، فروغ دلش به حال آن می‌سوزد؛ کسی نمی‌خواهد/ باور کند که باغچه دارد می‌میرد/ که قلب باغچه در زیر آفتاب ورم کرده است/ که ذهن باغچه دارد آرام آرام/ از خاطرات سبز تهی می‌شود/ و حس باغچه انگار/ چیزی مجردست که در انزوای باغچه پوسیده است... ذهن و قلب را برای باغچه می‌آورد و از صنعت تشخیص بهره می‌گیرد؛ با این عبارات مشخص می‌شود منظور فروغ باغچه‌ای معمولی نیست بلکه باغچه را در معنای نمادین به کار

گرفته است. آنچه باعث نگرانی فروغ شده وضعیت باعچه است که از عنوان شعر مشخص است و در کل شعر این حس و پیام به خواننده القا می‌شود و در آخر می‌گوید من فکر می‌کنم که باعچه را می‌شود به بیمارستان برد... و حس نگرانی برای ذهن و قلب باعچه بازهم تکرار می‌شود.

یکی از ویژگیهای شعری فرخزاد در عنوان گزینی شعرش این است که شعرش را با عنوان آغاز و با همان واژه یا ترکیب پایان می‌دهد؛ یعنی عنوان، حالت سر و ته بندی شعر دارد. این شیوه در پیروان شعر نیمایی هواخواهانی یافته است. نیما نیز در شعر «آی آدمها»، «تو را من چشم در راهم» و ... از این شیوه استفاده کرده است و سهراب سپهری در شعر «خانه دوست کجاست؟» در شعر «قایقی خواهم ساخت» و ... حالت سر و ته بندی شعر با عنوان به دلیل اینکه به شعر انسجام بدهد، مورد استفاده قرار می‌گرفت بویژه در بعد موسیقایی شعر آنجا که به صورت هر ترکیب تکرار می‌شود، شعر را آهنگین‌تر می‌کند؛ تقریباً شبیه بند ترجیع در ترجیع بند عمل می‌کند و فروغ هم از این نوع عنوان‌گذاری در شعرش بهره گرفته است.

تکرار عنوانهایی که به صورت یک جمله بلند است در آغاز و پایان برخی اشعارش دیده می‌شود؛ به عنوان مثال در شعر «به آفتاب سلامی دوباره خواهم داد»، پایان شعرش نیز با عبارت سلامی دوباره خواهم داد، است «در شعر معاصر تکرار مصوع در آغاز و پایان به شعر ساختاری دوری و چرخشی می‌دهد که به منظور القای نظریه‌ای خاص، استحکام ویژه‌ای به ساخت شعر می‌بخشد. این ساختار به گونه‌ای خاص در دو نقطه حساس شعر «آغاز و پایان» تجلی و استقلال می‌یابد و خواننده همواره این دو نقطه حساس را، که اسکلت طبیعی شعر را تشکیل می‌دهد، فرایاد می‌آورد؛ چرا که تکرار مصوع آگاهانه و اندیشیده، شبکه کانونی و مرکزی شعر را خواهد تیید» (نیکوبخت و بیرانوندی، ۱۳۸۳:ص. ۱۳۵). در برخی از اشعار فروغ عنوان کانون معنایی را رقم می‌زند و در آغاز و میان و پایان تکرار شده است. عنوان، ساختار و فرم دایره‌ای به شعر می‌بخشد و گریز به مرکز و کانون معنایی شعر در جهت تأکید و برجسته کردن آن دارد. نکته دیگر اینکه گاه در اشعارش بیشتر بندها با عنوانی که برمی‌گریند، شروع می‌شود. تکرار عنوان یعنی وقوع و شروع دوباره شعر. مانند شعر؛ «آن رزوها»، «بر او بیخشایید»، «عشوق من» و ... گویی هر بند را می‌توان شروع شعرش نامید. هرچند باز هم به مقوله تکرار و تأکید شاعر و کانون و مرکز شعر هم باید نظر کرد.

عنوان‌گزینی اشعار و کارکردهای زیبایی‌شناختی آن در شعر فروغ فرخزاد

شاعر از عنوان شعر برای نامگذاری مجموعه شعرش استفاده کرده است؛ مثلاً تولیدی دیگر، دیوار و ... یکسان بودن انتخاب مجموعه شعر با یکی از شعرهای مجموعه می‌تواند این رویکرد را به ما بدهد که گزینش آن عنوان و آن شعر برای انتخاب مجموعه، نوعی مرکزیت شعر و اندیشه و هدف و پیام شاعر باشد؛ یعنی آن عنوان یا شعر هسته مرکزی مجموعه به شمار می‌آید.

نتیجه‌گیری

یکی از مهمترین انتخابهای شاعر در گزینش واژگان، نامگزینی بهترین عنوان برای شعر است. اولین واژه یا عبارتی که در شعر با مخاطب ارتباط برقرار می‌کند، عنوان شعر است. عنوان نقش مؤثری در ایجاد ارتباط با مخاطب دارد و نشانه‌ای است که شاعر به مخاطب می‌دهد برای دریافت معنی و مقصود. همچنین مخاطب ناگزیر است برای ورود به فهم متن ابتدا از عنوان آغاز کند. عنوانهای شعری می‌تواند بازتاب دهنده اندیشه، دغدغه و گرایش فکری و حتی هنری شاعر باشد. از آنجا که شاعران اصولاً در انتخاب عنوان دقت فراوانی به خرج می‌دهند، فرخزاد نیز در گزینش عنوانین شعری خود وسوس فراوانی داشته است؛ چون علاوه بر نامگزینی مجموعه دفترهایش در انتخاب نام اشعارش نیز هنرمندانه عمل می‌کند. نکته برجسته در شیوه شاعری و کارکردهای زیبایی‌شناختی اشعار فروغ، این است که همه اشعار پنج دفتر او (شامل اسیر با ۳۳ شعر، دیوار ۲۴ شعر، عصیان ۱۲ شعر، تولیدی دیگر ۳۱ شعر و ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد ۷ شعر) همگی دارای عنوان شعری است و این مسئله از توجه معنایی و زیبایی‌شناختی مؤلف نسبت به سرودها حکایت دارد.

۱۱۷



فصلنامه پژوهش‌های ادبی سال ۱، شماره ۷۵، پیاپی ۱۳۹۶

فرخزاد عنوانهای اسیر، دیوار و عصیان را مناسب با وضعیت زندگی خود انتخاب کرده است و تقریباً عنوانین شعری سه مجموعه نیز با اندیشه او همسو بوده است. در اسیر با عنوانهایی که بر می‌گزیند نشان می‌دهد که این مجموعه حول دنیای شخصی شاعر و خواسته‌های زنی دردمند و عاشق می‌چرخد؛ حتی شروع دیوانش با عنوان دوست داشتن، می‌رساند که آنچه در این برهه برای فروغ اهمیت داشته گفتن از عشق و اسارت در عاشقی است. در عنوانین شعری اسیر، استفاده از تشبیه و توصیف نیز بیشتر دیده می‌شود که گویای شخصی و وصفی بودن دنیای محدود شاعر است که هرچه به دوران تکامل شعری وی نزدیک می‌شویم، زبان استعاری و نمادین جای تشبیهات را می‌گیرد. دیوار نیز تجربه‌ی شخصی شاعر است از دنیای محدود و پر از

اندوه و تجربه شکست عشقی شاعر. عنوان دیوار برای مجموعه، هم نشانده‌نده محدودیت و به نوعی همان اسارت مجموعه قبل است؛ شروع مجموعه نیز با شعر رؤیا دربردارنده این مفهوم است که شاعر از تنگنا و دیواری که به دورش کشیده شده در پی رهایی است و در رویای مردی است که از راهی دور و دراز بیاید و نجاتش بدهد. زبان عناوین شعری در این مجموعه نیز بیشتر به تشبیه گرایش دارد. عصیان برونداد و بر همکنشی است از دو مجموعه پیشین وی که هم پاره‌هایی از عناوین اسیر و دیوار را دارد و هم نگرش فلسفی گونه فروغ به زندگی را نشان می‌دهد. در عصیان عناوین شعری بجز یک مورد تشبیه، همگی دارای براعت استهلال است و در نتیجه تأکید بر محور مجازی است. مجموعه تولیدی دیگر و ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد خود نشانده‌نده تغییر نگرش شاعر است که همزمان در آنها تحول هنری و فکری در عناوین شعرش او نیز دیده می‌شود. فرخزاد در دو مجموعه اخیر به ترکیب‌سازی و جمله‌سازی در ساختار زبانی عناوین شعری و نیز بافت هنری اشعار دست زده است. در تولیدی دیگر کاربرد زبان استعاری و نمادین در عناوین شعری نمود بیشتری پیدا می‌کند به طوری که در مجموعه ایمان بیاوریم ... عناوین شعری از نظر ساختاری بجز یک مورد از ساخت جمله کامل برخوردار گشته است و از نظر کارکرد زیبایی‌شناختی در این مجموعه، نماد، بیشترین فراوانی را دارد و زبان فروغ به نمادین شدن می‌گراید که حتی از عناوین مجموعه نیز مشخص است. در نگاه کلی به کارکردهای زیبایی‌شناختی عناوین در خواهیم یافت که تحول هنری فروغ در حرکت از محور یا قطب همنشینی زبان شعر به محور گزینشی زبان شعرش (قطب استعاری زبان) بوده است.

به طور خلاصه این پژوهش نشان می‌دهد که فرخزاد از واژه، ترکیب و جمله برای نامگذاری‌های اصلی و فرعی اشعارش بهره گرفته است. فرخزاد برای انتخاب عنوان اصلی مجموعه‌ها ابتدا از واژه به سمت ترکیب رفت، سپس در مجموعه آخر خود به جمله‌سازی دست زده است که از دید ساختار نشانه شناختی بروشنبی معنای تحول زبان شعری مؤلف را به خواننده القا می‌کند. از لحاظ بسامد، کارکردهای زیبایی‌شناختی عناوتها در مقام نوعی از مجاز و صنعت براعت استهلال است که در محور همنشینی زبان شعر برجسته می‌شود و نسبت به دیگر صنایع شعری در شعر فرخزاد بیشتر است و سپس انواع نزدیک به تشبیه و استعاره و تشخیص که در محور گزینشی زبان شعر وجود دارد. در مجموعه آخر و دوران پختگی شاعری عناوتها زبان نمادین به خود می‌گیرند. از نظر محتوایی نیز عنوان سروده‌هایش در راستای هدف، مضمون و پیام

عنوان‌گزینی اشعار و کارکردهای زیبایی‌شناختی آن در شعر فروغ فرخزاد

شعرش قرار دارد. بیشترین این مدلولها یا مضمونهای شعر فروغ در توجه به احساسات و عواطف شخصی، طبیعت‌گرایی، مرگ‌اندیشی یا زوال و خودآگاهی هنری مؤلف است.

پی‌نوشت

1. Titology
2. Paratextual
3. Paratextuality
4. Peritext
5. Epitext
6. Sememe

منابع

بختیاری، محمدرضا؛ «نگاهی به شعر و اندیشه فروغ»؛ پژوهش‌های ادبی و بلاغی، س دوم، ش ۸، پاییز، ص ۸۷-۱۰۸، ۱۳۹۳.

بهره‌ور، مجید؛ «سایه تاسیان: درنگی بر نامگذاری مجموعه تاسیان و برخی واژگان گیلکی شعر او»؛ دیلمان (جشن نامه آغاز نوادسالگی امیرهوشنگ ابتهاج)، ش ۶، فروردین و اردیبهشت، ص ۱۵۸-۲۶، ۱۳۹۶.

تیکو، گردهاری؛ «فروغ فرخزاد»، در ادبیات نوین ایران از مشروطیت تا انقلاب اسلامی؛ ترجمه و تدوین یعقوب آرند، تهران: امیرکبیر، ص ۱۹۵-۲۱۵، ۱۳۶۳.

حسین‌پور آلاشتی، حسین و دلاور، پروانه؛ «عناصر سبک‌ساز در موسیقی شعر فروغ فرخزاد»؛ زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سیستان و بلوچستان، س ۶، بهار و تابستان ۸۷، ص ۵۳-۲۷، ۱۳۸۷.

حقوقی، محمد؛ شعر زمان ما (فروغ فرخزاد)؛ تهران: نگاه، ۱۳۸۴.

روحانی، مسعود و عنایتی قادیکلایی، محمد؛ «تحلیل عنوان‌های اشعار احمد شاملو»؛ پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی، ش ۱، ص ۱۰۴-۸۱، ۱۳۹۴.

زرقانی، مهدی؛ چشم انداز شعر معاصر ایران؛ چ سوم، تهران: ثالث، ۱۳۸۷.

زرین کوب، حمید؛ «نظری به محتوای شعر فروغ فرخزاد»؛ ش ۴۴، جستارهای ادبی، ص ۶۷۷-۶۸۷، ۱۳۵۴.

سجودی، فرزان؛ نشانه‌شناسی و ادبیات؛ تهران، فرهنگ کاوشن، ۱۳۸۴.

شفیعی کدکنی، محمدرضا؛ ادوار شعر فارسی از مشروطیت تا سقوط سلطنت؛ تهران: سخن، ۱۳۸۰.

؛ زمینه اجتماعی شعر فارسی؛ تهران: زمانه و اختران، ۱۳۸۶.

- صهبا، فروغ؛ «مبانی زیبایی شناسی شعر»؛ *مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*، دوره ۲۴، ش. ۳، صص ۹۰-۱۰۹، ۱۳۸۴.
- فارسی، بهنام و صیادانی، علی؛ «نشانه‌شناسی عنوانین سه گانه‌ی نجیب محفوظ»؛ *زبان و ادبیات عربی*، ش. ۱۵، ۱۵۷-۱۸۲، ۱۳۹۵.
- فرخزاد، فروغ؛ *دیوان اشعار؛ چ هفتم*، تهران: مروارید، ۱۳۷۹.
- گرجی، مصطفی و افسانه میری؛ «بررسی و تحلیل نام‌های اشعار قیصر امین پور»؛ *جستارهای ادبی*، دوره ۴۲، ش. ۴، صص ۱۰۴-۷۹، ۱۳۸۸.
- محمدی، علی و قاسمی، طاهره؛ «بررسی و تحلیل عنوان کتاب‌ها و سروده‌های مهدی اخوان ثالث»؛ *ادب فارسی*، ش. ۶، ش. ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۵، ش. پیاپی ۱۷، ص. ۷۷-۹۲، ۱۳۹۵.
- مکاریک، ایرنا ریما؛ *دانشنامه نظریه‌های ادبی معاصر*؛ مهران مهاجر و محمد نبوی، چ دوم، آگه، ۱۳۸۵.
- نبی‌لو، علیرضا؛ «کاربرد نظریه نشانه‌شناسی مایکل ریفارتر در تحلیل شعر ققنوس نیما»؛ *پژوهش‌های زبان‌شناسخنی در زبان‌های خارجی*، دوره ۷، ش. ۲، پاییز و زمستان ۹۰، ص. ۸۱-۹۴، ۱۳۹۰.
- نیکویخت، ناصر و بیرانوندی، محمد؛ «معناشناسی و هویت ساختار در شعر نیما یوشیج»؛ *پژوهش‌های ادبی*، ش. ۵، ص. ۱۳۱-۱۴۶، ۱۳۸۳.

- Genette, Gérard (1988). ‘The structure and functions of literary titles’, trans. Bernard Cramp, in *Critical Inquiry* 14: pp. 692-720.
- (1997). *Paratexts: Thresholds of Interpretation*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Hoek, Leo H. (1981). *La marque du titre: dispositifs sémiotiques d'une pratique textuelle*. The Hague; New York: Mouton Publishers.
- Levenston, E. A. (1978). “The significance of the title in lyric poetry.” *Hebrew University Studies in Literature*, 6: 63-87.
- (1985) “Titles.” *The Journal of Aesthetics and Art Criticism* 44.1 (Autumn): 29-39.